

شریعت سنگلجی

رجال صدقوا ما عاهدوا الله فمنهم من قضی نحبه و منهم ینتظر « مرد امن که پیمان خود را با خدای خویش برآستی انجام رسانده‌اند پاره از آنان در گذشته‌اند و برخی دیگر در انتظارند . » « قرآن مجید »

قیها ، لباده‌ها ، آستین‌های دراز ، پیراهن‌ها و تنبان‌ها همه یک نواخت شد و باصطلاح آن روز همه افراد کشور متحد-الاشکل شدند .

توده مردم خواندن و نوشتن را استقبال کردند و عادت به مطالعه پیدا شد ، مطبوعات داخلی و خارجی بیشتر به بازار آمد ، همان‌طور که بساط خان‌خانی و اشرافیت مقدماتش برچیده می‌شد ، بساط عوام‌فریبی هم از رونق افتاد و چشم و گوش مردم بازگشت .

واعظان و سخنسرایان مذهبی هم روش خود را بنا به مقتضیات روز تطبیق کردند ، از مزایای اسلام و معارف دینی به سبک روزسخن گفتند ، شیخ غلامرضاطبسی ، شمس کیلانی ، سید یحیی یزدی ، کمال سبزواری ، صدر اصفهانی ، حاج میرزا

درعسر رضاشاه کبیر در راه تقدم و پیشرفت عمران و آبادی قدم‌هایی برداشته شد ، تأسیس دبستان‌ها ، دبیرستان‌ها ، انتشار مطبوعات مردم را بسوی تمدن‌فرنگی بیشتر متوجه ساخت ، اعزام محصل به فرنگ از گام‌های برجسته بود ، از هر شهر کوچک و بزرگ نونهالان و دانش‌جویان در راه تحصیلات عالی شتافتند .

بیشتر جوانان بسوی فرهنگ نوین گام برداشتند ، اندیشه‌ها و قدم‌ها در راه سخنان نو و آراء تازه میرفت . لقب‌ها ، عنوان‌های کهنه برچیده شد ، دستارهای رنگارنگ ، شال کمرهای گوناگون ، عباهای زربفت ، خاچیه‌های نجفی بسیار اعلا و نائینی را برچیدند ، کمتر کسی آن عباها را بدوش کشید ، کلاه‌های جورا‌جور تبدیل به کلاه پهلوی و بعد به شاپو گردید ،

محمد واعظ همدانی ، حاج میرزا عبدالله صیوحی وتنی چند از خطبای بنام آن عصر در مجالس و محافل شنوندگان رامسحور بیانات شیوای خود می کردند ولی بگفتار نغز و دلنشین اهل منبر تیب جوان و روشن فکر راضی نمی شد ! نوجوانان و فضلا به مسائل علمی و اجتماعی تازه ای بر خوردند مشکلات تازه مذهبی پدید آمد ، می خواستند عالم روحانی با ایشان در بحث و انتقاد شرکت کند ، کفریات تازه ای که خوانده و یا شنیده بودند آرزو داشتند در نزد عالمی مطرح کنند و آزادانه سخن گویند و پاسخ درست و منطقی شنوند .

چه از قدیم گفته اند ، نقل کفر ، کفر نیست تازه جوانانی که درد دین و مذهب داشتند ، در دل مسلمان بودند و در خانواده مذهبی و اخلاقی پرورش یافته بودند در آن اوضاع و احوال ندانستند به کجا روند ؛ به نزد کدام دانشمند روحانی صحبت دارند در آن زمان در تهران مدارس قدیمه اسلامی عبارت بود از :

- ۱- مدرسه خان مروی .
- ۲- مدرسه سپهسالار قدیم .
- ۳- مدرسه محمدیه .
- ۴- مدرسه آقا شیخ هادی .
- ۵- مدرسه معمارباشی .
- ۶- مدرسه فیروزآبادی .

۷- مدرسه سپهسالار جدید و چند مدرسه دیگر ...
مدرسان و استادان و محصلین آن یکجا رفتند و چه شدند ؟

دانش پژوهان و جوانان روشن فکر هر چه جستجو کردند کمتر عالم روحانی مطابق ذوق و سلیقه و فهم خود یافتند ؛ به زبان حال از یکدیگر پرسیدند در انقراض قاجاریه و سر آغاز سلطنت پهلوی آن همه دستار - بندها و عالم نمایان یکجا رفتند ؟ نه مگر درهر کوی و برزن ، هر روستا و شهری چند عالم جامع شرایط بود ، گویند بیشتر - شان صاحب نظر و فتوا و جامع معقول و منقول بودند ، کجا رفتند آن عالمان دین ؟ درهر شهر یا استانی در این مورد باید جدا گانه سخن گفت .

اوضاع و احوال عصر پهلوی را درست تجزیه و تحلیل نمود ، چه روزگار مذهبی در مشهد و قم غیر از گیلان بود ، بحث ما در این گفتار درباره تهران و قهرمانان مذهبی آن است ، آری تنی چند از علمای روشنفکر در تهران بودند . ولی انگشت - شمار . چه با تحول بزرگی که فراهم گشت و دوره قاجاریه بسر آمد و نوبت برهبری رضاشاه کبیر رسید بیشتر بساط کهنه را بر - چیدند و مردم بسوی راه نوین و اندیشه نو رفتند و کمتر متوجه مسائل دینی شدند . معلوم است درهر جنبش اجتماعی و سیاسی و تغییر رژیم بسیاری از راه و روشها

شخصیت‌های علمی و روحانی طراز اول و دوم، لباس متحد الشكل بساطشان را سرو صورت دیگری داد و همه بسوی تمدن جدید روان شدند.

در این هنگامه نوجوانان و دانش - پژوهان که تربیت خانوادگی مذهبی داشتند کم شده خود را میخواستند و در پی آن شدند که با کدام روحانی روشنفکر به صحبت پردازند و دردهای درونی و دینی را با کدام يك از دانشمندان در میان گذارند فضلا و دانشمندانی که داعیه اصلاح داشتند و خواستند مردم را به تجدد و اسلام رهبری کنند تقریباً فاقد نقش شخصیت بودند یا شرایط محیط جور نمی شد، اجتماع هم آنان را کمتر پذیرفت. ولی از همه با شهامت‌تر و جسورتر «شریعت سنگلجی» بود که هفته‌ای يك شب در مسجد سنگلج به منبر می رفت و صحبت می کرد، وعظ و خطاب او در حقیقت درس بود نه سخنرانی و نه بیانات احساساتی، شنوندگانش گفتار وی را سرسری نمی - پنداشتند که از این گوش بشنوند و از آن گوش بدرکنند، چه او بسیاری از مسائل علمی و روانشناسی اسلام را تجزیه و تحلیل می کرد و شنوندگان مجلس را به حقایق دینی آشنا می ساخت، خلاصه مطالعات هفتگی خود را بصورت وعظ منبری ایراد می کرد. دانشجویان، فضلا، ادبا و نویسندگانی که می خواستند از معارف اسلامی بهره مند شوند به مسجد سنگلج می - شتافتند و از بیانات او بهره می بردند.

باساحبتانش خورد می شوند و از میان می - روند از این جهت در عصر پهلوی اندیشه‌ها کارها، تشکیلات روز بروز تازه تر شد، بساط کهنه و فرسوده بر طبق ناموس و جبر زمان بهم ریخت.

مردم روشنفکر و اصلاح طلب پیوسر دودمان پهلوی شدند و ازدل و جان خواستند که اوضاع و احوال کشور روز بروز بهتر شود، در این صورت خوراک روحی و مذهبی مردم چه بود؟ گروهی از روحانیان فاضل در دادگستری و ثبت اسناد استخدام شدند از جمله شادروان شیخ محمد حسین مجتهد یزدی بود که از طراز اول علماء بشمار می رفت، در انقراض قاجاریه و تأسیس سلطنت پهلوی نقش مؤثر داشت، گویند در تمام مدت خدمت در دادگستری حقوقی از دولت نگرفت. همه حقوق را به شیر و خورشید سرخ وا گذار کرد، و از مؤسین اولیه تشکیلات شیر و خورشید بود، این عالم روحانی و وارسته مورد توجه مخصوص رضاشاه کبیر و طبقه روشنفکر بود (۱). گروهی از فضلاء روحانی هم به شغل شریف معلمی پرداختند، تأسیس دفاتر اسناد رسمی دیگر مجال فعالیت بروحانیان نداد و تقریباً درخانه شان بسته شد چون مورد نیاز جامعه نبودند مگر تئتی چند از

۱- برای اطلاع از شخصیت علمی او نگاه کنید به کتب تاریخ روابط ایران و عراق، تألیف مرتضی مدرس چهاردهی از انتشارات کتابفروشی فروغی تهران.

کارگر ، کاسب ، بازرگان ، معلم ، دانشجو ، نماینده مجلس ، روزنامه نگار ، واعظ درپای منبر وی می نشست . برداشت سخن چنان بود که هر کس بفرآخورفهم دانش ، ذوق خود مطلبی می فهمید ، گروهی هم گفتارش را نوشته و دفترها تألیف و تدوین کردند ، چون سخنان شریعت درس تفسیر ، اخلاق ، عقاید ، ملل و نحل بود همه مستمعین از برنا و پیر از گفتارش و باو عالمانه وی بهره می بردند .

شادروان حسین مطیعی صاحب و مدیر نامه هفتگی « کانون شعرا » چاپ تهران که از نیکان بود بخشی از گفتار « شریعت » را در نامه ادبی خود بصورت پاورقی چاپ و منتشر کرد چون خواستار داشت و دانش پژوهان طالب بودند .

جوانان درس خوانده و متجدد هنگامی که گروهی از شبهات مادی گری اندیشه شان را متزلزل ساخت بسوی او می رفتند ، ایرادها را تشریح می کردند ، خلیجان های روانی را بروز می دادند ، آنگاه بی مهابا همی گفتند ، با این مقدمات خدا نیست . انسان از تبار میمون است هر چه هست از خاصیت پیامبران برای دوره خودشان خوب بودند . ماده است دوره تاریکی بسر آمد و اینک « عصر طلائی » است ! حج فستیوال اغنیا است . پیامبران مردان هوشمندی بودند .

هر زمان يك قانون و احکامی بنا به مقتضیات لازم دارد . به گواهی تاریخ بشر بیچاره است ، گرفتار خسروارانی شده که خودشان را نایب پنداشتند و گروهی آنرا قبول کردند و صد ها این گونه سخنان گفتند ، چون این حرفها تازه مد شده بود ، کیست که پاسخ علمی این گونه تردیدها را بگوید ؟

در اثر انقراض قاجاریه نوجوانان

يك باره از پرده حجاب شرم و خاموشی بدر آمدند ، نوبت آزادی افکار و عقاید گشت ، کیست که پاسخ درست و علمی گوید ؟ در این اوضاع و احوال « شریعت » یکی از روحانیانی بود که وارد معرکه آراء و عقاید مذهبی شد ، بنام يك روحانی اسلام درفش « لا اله الا الله و محمد رسول الله » را باهتزاز در آورد . آری او مجاهد دین بود با حسن سلوک و ادب مانند يك پدر روحانی ، دانشمند باوقار ، فروتن نو جوانان را پذیرفت ، نخست ایرادات را می شنید ، آرام آرام سخنان طرف را تجزیه و تحلیل می کرد ، بجای تندخویی ، پر خاش گوئی ، کینه توزی لبخند می زد تا در چند جلسه دانش پژوه از خدا برگشته را بسوی اسلام رهبری می نمود ، راه خدا - شناسی و مسلمانی را بوی می آموخت ، دوباره او را از حالت ارتداد و کفر بازگشت به اسلام میداد و در جرگه مسلمانان وارد می ساخت .

با رفتار پسنیدیده و عالمانه او گروهی نوجوانان و روشنفکران راه مسجد را پیش گرفتند و بجای اندیشه ها و افکار مادی گری از قرآن مجید و فرهنگ اسلامی صحبت می داشتند و شیفته دیانت و راه توحید گشتند .

بسیاری از نوجوانان که رنگ مسجد و نماز را هرگز ندیده بودند و توجهی به حقایق دین و مذهب نداشتند در اثر آمیزش با شریعت و آموزش او آشنا به اسلام و قرآن مجید شدند و خانواده با تقوای را تشکیل دادند و از حالت بی مبالائی ، بی قیدی و لاپبالی گری بیرون آمدند و آدم شدند .

خدایش رحمت کناد روحانی بلند نظری بود . (ادامه دارد)